فقه و اصول، سال چهل و هشتم، شمارهٔ پیاپی ۱۰۷
زمستان ۱۳۹۵، ۲۳-۹

نقدی بر نظریه لزوم اتحاد زوج (فحل) *

فاطمه حائری
دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
Email: f.haeri@stu-mail.um.ac.ir
دکتر حسین ناصری مقدم
دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
Email: naseri1962 @um.ac.ir
دکتر محمد تقی قبولی
دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
Email: ghabooli @um.ac.ir

چکیده

در میان اسباب تحریم نکاح، مسأله رضاع، یکی از مسائل خیلی مهم و مبتلابه است. فقهـا در تمـامی مـذاهب اسلامی در این که رضاع از اسباب تحریم است، اتفاق نظر دارند. ولی مسأله محل اختلاف این اسـت کـه اصـل در رضاع موجب نشر حرمت، مادر (مرضعه) است یا پدر (صاحب لبن)؟ مشهور امامیه معتقدند کـه آنچـه بـرای نشـر حرمت در رضاع معتبر است، اتحاد فحل است و دلیل آن‌ها روایاتی است که موجب تخصیص و تقییـد عمومـات و اطلاقاتی چند چون حدیث نبوی: «یحرم من الرضاع ما یحرم مـن النسـب» و آیـه «و أمهـاتکم اللاتـی أوضـعنکم و أخواتکم منَ الرَضاعة»(نساء/۲۳)، می‌شود. قول مخالف مشهور، قول طبرسی صاحب تفسیر البیان و جمعی دیگر از امامیه است که در رضاع موجب نشر حرمت، اتحاد فحل را شرط ندانسته‌اند. دلیل این قول هم عموم حدیث، اطلاق آیه و نیز روایت محمد بن عبیده است. نقد و بررسی دو دیدگاه و دلائل آن‌ها قول غیرمشهور را قوت می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: نکاح، رضاع، نشر حرمت، اتحاد فحل، مرضعه.

---

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۴/۱۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۲/۱۰/۱۸.

DOI: 10.22067/fiqh.v0i0.23236

مقدمه

از مسائل بسیار مهم و مورد ابتلا در مبحث اسباب تحریم نکـاح، مسـأله رضـاع اسـت. فقیهـان همـه مذاهب اسلامی، به رغم اختلاف نظر در جزئیات و احکام و مـوارد رضـاع، در ایـن کـه رضـاع از اسـباب تحریم است، اختلاف نظر ندارند. شیخ طوسی تصریح کرده است: «رضاع، نسـبت بـه مـادر (مرضـعه) و صاحب لبن، موجب حرمت است؛ بنابراین، صاحب لبن پدر شیرخوار می‌شود، پدر وی جد او، خواهرش عمه او، برادرانش عموی او و همه فرزندان وی خوهران و برادران او خواهند شد. این نظر، دیدگاه علی (ع)، ابن‌عباس، عطا، طاووس، مجاهد و از فقیهان: مالک، اوزاعی، لیث‌بن‌سعد، ثوری، ابوحنیفـه و اصـحابش، شافعی، احمد و اسحاق می‌باشد». (طوسی، خلاف، ۹۳/۵)

مسأله محل اختلاف، این است که اصل در رضاع موجب نشر حرمت، مادر یعنـی مرضـعه اسـت یـا پدر، یعنی صاحب لبن؟ مشهور فقیهان امامی، اصل را صاحب لبن دانسته‌اند و بر این باورند که در صورت تعدد صاحب لبن (فحل)، حرمت (و محرمیت) حاصل نخواهد شد؛ بنابراین در صورتی که زنی، دختـری را از شیر مربوط به شوهر اول خود و پسری را از شیر مربوط به شوهر دومش شیر دهد، این رضـاع موجـب نشر حرمت میان این پسر و دختر نخواهد شد، چون صاحب لبن متعدد است.

در برابر این دیدگاه، دو دیدگاه تقریباً متضاد وجود دارد:

۱- این نظر که ملاک اصلی موجب نشر حرمت، تنها مادر است و پدر هیچ نقشی در نشر حرمـت ندارد؛ بنابراین، اصلاً پدر و خویشان پدری رضاعی نـداریم. یعنـی پـدر رضـاعی، عمـوی رضـاعی، عمـه رضاعی و جد پدری رضاعی قابل تحقق نیستند. از این رو صاحب لبن می‌تواند بـا دختـری کـه شـیرخواره همسر اوست ازدواج کند.

شـیخ طوسـی، ایـن رأی را بـه ابن‌زبیـر و ابن‌عمـر (از صـحابه)، سعیدبن‌مسـیب، سلیمان‌بن‌یسـار (از تابعین)، ربیعةبن ابی عبدالرحمان (استاد مالک)، اصم، ابن علیه و داود ظـاهری و پیـروان وی نسـبت داده است. (طوسی، خلاف، ۹۴/۵)

۲- دیدگاه دوم که طرفدار جدی و شاخص آن مرحوم طبرسـی، صـاحب مجمع‌البیـان اسـت، ایـن است که نشر حرمت همان‌طور که از طریق مرد صاحب لبن (شوهر) صورت می‌گیرد از طریق مرضعه نیـز صورت می‌گیرد هر چند صاحب لبن متعدد باشد. بر اساس این نظر در صورتی که زنی، دختری را از شـیر یک شوهر و پسری را از شیر شوهر دیگر شیر دهد، این پسر و دختر، خواهر و برادر رضـاعی امـی خواهنـد بود و ازدواج آن‌ها با یکدیگر حرام است.

صاحب حدائق، فیض کاشانی را نیز از طرفداران این دیدگاه دانسته است (بحرانی،۳۶۹/۲۳)

شهید ثانی در مسالک نیز هرچند با صراحت، این قول را انتخاب نکرده اما چنان که در مقـام اسـتدلال مطرح خواهد شد به آن گرایش جدی دارد. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۲۱۸/۷ و ۲۴۰)

کلمات فقها

ابتدا لازم است برای تبیین هر چه بیشتر مسأله عباراتی از فقها نقل و بررسی گردد:

شیخ مفید بعد از ذکر محرمات نسبی اظهار داشته است: «همه این محرمات نسبی با رضاع نیز حـرام می‌شوند، زیرا رضاع نیز در تحریم همانند نسب است. رسول خدا (ص) فرمـود: «یحـرم مـن الرضـاع مـا یحرم من النسب». (ابن بابویه، ٤٧٥/٣؛ نیز نگ، ابن حیون، ۲۳۹/۲؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۹۲/۷؛ کلینی ، ٤۳۷/٥؛ مفید، ص٤۹۹)

شیخ مفید در مقنعه متعرض این مسأله که شیر باید از فحل واحد باشد یا نه، نشده است.

شیخ طوسی در مبسوط آورده است: «چنانچه مردی با زنی ازدواج کند و از آن‌ها فرزندی متولد گـردد، شیر آن زن، هم شیر زن محسوب است و هم شیر مرد، چون با فعل او (مرد) جاری گردیده است. پس اگـر کودکی از این شیر بخورد یعنی پانزده مرتبه متوالی نزد امامیه، موجب نشر حرمت می‌گردد... به طوری کـه حتی اگر این زن از غیر از این مرد نیز دارای پسر یا پسرانی باشد، آن‌ها نیز برادران امی ایـن کـودک مرتضـع می‌باشند. بنابراین، هفت گروهی که از نسب محرم و حرام هستند بدون هیچ کم و کاستی از طریـق رضـاع نیز محرم و حرام هستند». (طوسی، مبسوط، ۲۰٥/٤)

چنانکه ملاحظه می‌گردد در مبسوط هم نه تنها به اشتراط فحـل واحـد تصـریح نشـده اسـت، بلکـه از عبارت شیخ طوسی استفاده می‌شود که شیرِ زن به تنهایی نیز برای نشر حرمت کافی است.

عبارت مذکور چنین است: «واللبن الذی نزل منها لأبویه أیضا فهو لبنها لانه منها و لـبن زوجهـا و هـو لبن الفحل». (طوسی، مبسوط، ۲۰٤/٤)

شیری که از این زن خارج می‌گردد متعلق به والدین کودک است؛ شیر مـادر اسـت، چـون از (وجـود) اوست و شیر زوج است، چون به فحل مربوط است.

این عبارت به صراحت، دیدگاهی را که شیر را به طور کلی متعلق به فحل و صاحب لبن را منحصراً مرد می‌داند، مردود می‌شمارد. البته این عبارت در باب محرمات نکاح است، اما وی در کتاب رضـاع مبسـوط گفته است: «نظر اصحاب امام یعنی امامیه این است که اگر این زن از شوهر دیگرش دختر رضـاعی داشـته باشد، می‌تواند با این پسر ازدواج کند. آن‌ها دلیل این قول را اختصاص لبن به فحل دانسـته‌اند». (طوسـی، مبسوط، ۲۹۲/٥)

در حالی که عبارت مذکور شیخ صراحت داشت در این که لبن به مرد اختصاص ندارد و زن هـم در آن سهیم است. شاید نسبت این دیدگاه به اصحاب، اشعار داشته باشد به این که خـودش بـه ایـن نظـر راضـی نیست.

قطب راوندی اظهار داشته است: «اگر زنی با شیر یک مرد، کودکان متعددی را کـه از مـادران متفـاوت بودند شیر دهد، تمام آن‌ها فرزندان رضاعی آن مرد به شمار می‌روند و بر همه فرزندان نسـبی و رضـاعی آن مرد، حرام خواهند بود، چنانکه بر فرزندان نسبی زن شیر دهنده نیز حرام خواهند بود، اما این افراد بر افرادی که از شیر همین زن اما از مرد دیگری ارتزاق کرده‌اند، حرام نخواهند بود». (قطب راوندی، ۹۰/۲)

ابن حمزه نیز اظهار داشته است: «کودک شیرخوار بر همه اولاد نسبی مرضعه و همـه اولاد رضـاعی او در صورتی که رضاع آن‌ها از لبن همین فحل باشد نه از دیگری، حرام است». (ابن حمزه، ۳۰۲)

ابن براج در مهذب نیز بر همین باور است که اگر رضاع به لبن غیر فحل باشد موجب حرمت نیسـت. (ابن براج، ۱۹/۲)

البته احتمال دارد منظور وی این باشد که رضاع باید از راه نکاح باشد و گر نه از راه غیر نکاح مانند زنـا موجب حرمت نمی‌شود، که طبق این تفسیر، ارتباطی به موضوع بحث نخواهد داشت.

ابن ادریس حلی نیز تصریح کرده است: «اگر زنی پسری را که فرزندش نیست شیر دهد و آن زن از غیر این شوهر، دختر رضاعی داشته باشد، ازدواج این پسر با آن دختر رضـاعی جـایز اسـت و رضـاع، موجـب حرمت نمی‌شود زیرا لبن، مربوط به دو فحل مختلف اسـت، امـا مخالفـان از عامـه ایـن دختـر را خـواهر رضاعی مرتضع دانسته‌اند که حق ازدواج با او را ندارد. اما اصـحاب امامیـه اجماعـاً گفته‌انـد: ازدواجشـان جایز است، چون شیری که دختر رضاعی خورده، از فحل دیگری است. اینان قول ائمه (ع) را که فرموده‌اند: «اللبن للفحل»(حمیری، ص۳٦۹؛ کلینی، ٤٤۰/٥) اینچنین تفسیر کرده‌اند. (ابن ادریس، ۵۵۳/۲).

بررسی کلام ابن ادریس

این عبارت ابن ادریس از دو جهت شایان تأمل است:

أ. انتخاب این دیدگاه از سوی اصحاب امامیه به دلیل اسـتناد بـه عبـارت حـدیث اسـت، بنـابراین اجماع اصحاب، اگر ثابت هم باشد، اجماع تعبدی اصطلاحی و قابل استناد نیست.

ب. عبارت «اللبن للفحل» به جز برداشتی که اصحاب کرده‌اند دو تفسیر دیگر نیـز می‌توانـد داشـته باشد:

۱- امام (ع) در مقام بیان این است که شیری موجب نشر حرمت می‌شود که از فحل (شوهر) باشد

نه از زنا که در آن صورت موجب نشر حرمت نمی‌شود همان‌طور که قبلاً در عبارت ابن بـراج مـورد اشـاره قرار گرفت.

۲- برای دفع یک توهم که برخی از اهل سنت مطـرح کرده‌انـد و آن ایـن اسـت کـه، نشـر حرمـت رضاعی را نسبت به مرد صاحب لبن، ثابت ندانسته‌اند و آن را مخصوص مرضعه دانسته‌اند. یعنی این طایفه به پدر رضاعی او، عمو و عمه، جد ابی و برادر ابی رضاعی قائل نیستند و ازدواج این گروه را با دختری که از خویش نسبی آن‌ها یا همسر آن‌ها شیر خورده است، جایز دانسته‌اند. ابن زبیر، ابن عمر، از صحابه و سـعید بن مسیب و سلیمان بن یسار از تابعین و ربیعه بن ابی عبدالرحمان (استاد مالک)، حماد بـن ابـی سـلیمان (استاد ابوحنیفه)، عصم و استادش، ابن علیه از فقها و نیز داود ظاهری و پیروانش این نظر را برگزیده‌اند، هر چند این نظر در نزد امامیه و عموم اهل سنت مطرود است. (رک: طوسی، خلاف، ۹۴/۵)

با وجود این دیدگاه، حداقل این توهم ایجاد می‌شود که ممکـن اسـت فحـل صـاحب لـبن، نقشـی در رضاع نداشته باشد و امامان معصـوم (ع) بـا عبـارت «اللـبن للفحـل»(حمیـری، ٣٦٩؛ کلینـی، ٤٤٠/٥) خواسته‌اند این توهم را دفع کنند.

محقق نیز در شرایع تصریح کرده است: «از شرایط حرمت این است که لبن از یـک فحـل باشـد...لذا اگر دو کودک را با شیر دو فحل شیر دهد آن دو بر یکدیگر حرام نخواهند شد. وی روایت دال بر عدم اعتبـار فحل واحد را متروک دانسته است». (محقق حلی،۵۰۹/۲)

برخی دیگر از فقیهان امامی نیز بر دیدگاه مشهور پای فشرده‌اند (ابن سعید، ٤٣٥؛ فاضل آبی، ۱۲۲/۲؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ۲۳/۳، همو، تذکرة الفقها، ٦٢١/٢، همو، تحریر الاحکام، ٤٣٠/٣).

محقق ثانی نیز ضمن نسبت قول غیر مشهور به طبرسی، دیدگاه مشهور را تقویت کرده اسـت. (محقـق کرکی، ٢٤٤/١٢، نیز نگ: موسوی عاملی، ١١٦/١؛ نراقی، ٢٦١/١٦؛ طباطبایی کربلایی، ١٤٧/١٠)

صاحب جواهر اشتراط فحل واحد را دارای شهرت عظیمه دانسته است. (نجفی ، ۳۰۳/۲۹)

شیخ انصاری پس از بیان استدلال طبرسی به عمـوم آیـه و روایـت نبـوی و حـدیث محمـد بـن عبیـد همدانی، گفته است: اظهر همان قول اکثر، یعنی اعتبار اتحاد فحل در نشر حرمت است. (شـیخ انصـاری، ص۳۲۲)

دیدگاه مخالف

از عبارات برخی از فقها تلویحاً و از برخی دیگر تصـریحاً اسـتفاده می‌شـود کـه در ایـن میـان دیـدگاه مخالف هم وجود دارد. برخی از اعلام دیدگاه مشهور را به معظـم اصـحاب وماننـد آن اسـناد داده‌انـد کـه

تلویحاً دلالت بر قول مخالف دارد و برخی چون شهید ثانی در روضه پس از بیان این که لبن بایـد از فحـل واحد باشد، با صراحت اظهار داشته است:

«...اما طبرسی، صاحب تفسیر معتقد است که اتحاد فحل شرط نیست و اتحـاد مرضـعه هـم کفایـت می‌کند، زیرا بین آن‌ها اخوت از جانب مادر برقرار است (هر چند فحل متعـدد باشـد) زیـرا اخـوت نسـبی مادری هم موجب حرمت است و داخل این کبرای کلی می‌شود که فرمود: «یحرم من الرضاع ما یحرم مـن النسب». (شهید ثانی، الروضة البهیة، ۵ /۱٦۵؛ نگ: طبرسی، ۲۸/۲)

شهید ثانی ادامه داده است: این سخن طبرسی صحیح و موجه است اگر نصوص بر خلاف آن نبود، اما نصوص بر خلاف آن است و این نصوص، عموم: «یحرم من الرضاع ما یحـرم مـن النسـب» را تخصـیص می‌زنند. (شهید ثانی، الروضة البهیة، ۱٦۵/۵)

سید محمد بحر العلوم ضمن تقویت دیدگاه مشهور، تأکید کرده است که در ایـن مـورد احتیـاط تـرک نشود. (بحر العلوم، ۱۵۳/۳)

مفسرانی چون کاشانی و علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه «و أمهاتکم اللاتـی أوضـعنکم و أخـواتکم من الرَضاعة» (نساء/۲۳) به نشر حرمت از طریق رضاع پرداخته‌اند و موردی را استثنا نکرده‌اند.

فیض کاشانی اظهار داشته است: «خداوند، آن‌ها (مادران و خواهران رضاعی) را مادر و خواهر نامیـده است، پیامبر (ص) هم فرمود: «الرضاع لحمه کلحمه النسب»[۱] رضاع نیز خویشی است هماننـد خویشـی نسب و نیز فرمود: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب»؛ بنابراین خداوند تحـریم را تعمـیم داده اسـت. (فیض کاشانی، ٤۳۵/۱)

علامه طباطبایی در المیزان نیز یادآور شده است: «آیه با سیاقش دلالت دارد بر این که بین زن و کسـی که او را شیر داده است، رابطه فرزندی برقرار است، همچنین بین مرد و خواهر رضاعی او؛ به ایـن دلیـل کـه این انتساب، مفروغ عنه و مسلم گرفته شده است. بنابراین، نوعی رابطه نسبی به حسب تشریع اسـت و ایـن از اختصاصات شریعت اسلامی است به دلیل روایت صحیح وارد از طریق فریقین که فرمود: «ان الله حرم من الرضاعه ما حرم من النسب». (نوری، ۳٦۵/۱٤) لازمه این بیان آن است که در ردیـف همـه محرمـات نسبی مانند مادر، خواهر، عمه، خاله، دختر بـرادر، دختـر خـواهر، محرمـات رضـاعی نیـز برقـرار باشـد. (طباطبایی، ۲٦٤/٤-۲٦۳)

بر این اساس، علامه طباطبایی هم هیچ موردی را از عموم و اطلاق آیه و روایات استثنا نکرده است.

---

۱. این حدیث در منابع حدیثی یافت نشد.

دلایل دو دیدگاه

دیدگاه نخست (دیدگاه مشهور)

چنانکه اشاره شد مشهور امامیه برای نشر حرمت در رضاع، فحل واحد را شرط دانسته‌اند. بـه عبـارتی دیگر، صاحب شیر را مردی می‌دانند که همسرش کودکی را شیر داده است. بنابراین، حرمت رضـاعی بـین دو نفر، تنها در صورتی حاصل می‌شود که صاحب لبن یک نفر باشد. به عنوان مثال: اگر زنـی دختـری را از شیر متعلق به همسر اول خود، شیر دهد، بین این پسر و آن دختر حرمت رضاعی برقرار نخواهد شد، با این که یک زن آن دو را شیر داده است. ادله این قول از این قرارند:

دلیل اول: اجماع

چنان‌که از ابن ادریس گذشت، اجماع یکی از دلایلی است که مورد استناد فقیهان مشهور امامی بـرای اشتراط فحل واحد در رضاع قرار گرفته است، اما استناد به اجماع از چند جهـت قابـل تأمـل بلکـه خدشـه است:

۱- برخی از بزرگان امامیه، مانند شیخ مفید در مقنعه و شیخ طوسـی در خـلاف، چنان‌کـه گذشـت اصلاً این مسأله را مطرح نکرده‌اند، بنابراین نمی‌توان مسأله را اجماعی دانست زیرا اجماع یعنی اتفـاق نظـر همه فقها (با شرایط خاص)، از این رو در مواردی که برخی از فقها، بـه ویـژه، قـدما اظهـار نظـر نکرده‌انـد تحقق اجماع میسر نیست.

۲- با توجه به روایاتی که در مسأله موجود است و همه آن‌ها مورد استناد فقیهـان قـرار گرفتـه اسـت اجماع مزبور، یک اجماع تعبدی قابل استناد نیست بلکه اجماع مدرکی اسـت و نمی‌توانـد بـه عنـوان یـک دلیل مستقل مورد استناد قرار گیرد.

دلیل دوم: روایات

مستند عمده دیدگاه مشهور، روایات است که معتقدند با این روایات، عموم حدیث نبـوی تخصـیص و اطلاق آیه کریمه تقیید می‌خورد وگرنه چنان‌که اشاره خواهد شد مقتضای عموم حدیث «یحرم من الرضـاع ما یحرم من النسب» و اطلاق آیه «و أمهاتکم اللاتی أرضعنکم و أخواتکم من الرَضاعة»، انتشار حرمت بـا رضاع است حتی در صورت تعدد فحل.

از این رو لازم است تک تک روایات مورد استناد مشهور، مطرح و بررسی شود تا روشن گـردد کـه آیـا صلاحیت تخصیص و تقیید عمومات مزبور را دارند یا نه؟ و اما روایات:

۱- روایت زیاد بن سوقه از امام باقر (ع): پرسیدم: آیا برای شیر خوردن حد (و اندازه‌ای) وجـود دارد که باید رعایت شود؟ فرمود: شیر خوردن کمتر از یک شبانه روز یا پانزده مرتبه پی در پی از یک زن و از شیر

(متعلق به) یک شوهر که بین آن‌ها شیر خوردن از زن دیگری نباشد، موجب حرمت نمی‌شود. (بنابراین) اگر زنی پسر یا دختری را ده بار از شیر (متعلق به) مردی شیر دهد و زن دیگری آن کودک را از شیر (متعلق به) مرد دیگری ده بار شیر دهد موجب حرمت نکاح وی نمی‌شود.[۲]

علامه در مختلف این روایت را به عنوان دلیل قول مشهور ذکر کرده است. (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۰/۷)

اما چنان که روشن است اولاً، امام (ع) در مقام بیان ضرورت رعایت موالات در دفعات شیر خوردن است. ثانیاً، موضوع مطرح شده در روایت از محل بحث مسأله ما خارج است زیرا محل بحث ما موردی است که یک زن دو کودک را از شیر متعلق به دو مرد (هر کدام) به طور کامل شیر دهد، اما مورد روایت جایی است که یک زن کودکی را ده بار از شیر یک مرد شیر دهد و زن دیگری همان کودک را از شیر مرد دیگری ده بار شیر دهد و این مورد ربطی به مسأله مورد بحث ندارد.

۲- روایت برید عجلی از امام باقر (ع): درباره این سخن رسول خدا (ص) «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» پرسیدم (وعرض کردم) آن را برایم تفسیر نمایید، فرمود: هر زنی که از شیر شوهر خود، دختر یا پسر زن دیگری را شیر دهد، این همان است که رسول خدا (ص) فرمود (حرام می‌شود)؛ اما هر زنی که از شیر دو فحل (شوهر) خود، دختر یا پسری را شیر دهد، این رضاعی نیست که رسول خدا (ص) فرمود: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» و این (مورد) سبب حرمت نخواهد شد.[۳]

تقریب استدلال این است که اگر کودکی را از شیر متعلق به دو فحل شیر دهد، این شیرخوارگی، موجب نشر حرمت نمی‌شود. البته می‌توان روایت را بر موردی حمل کرد که زنی، کودکی را با شیر متعلق به دو شوهر شیر داده و بین دو شیرخوارگی فاصله افتاده باشد و دلیل عدم انتشار حرمت، وجود این «فاصله» باشد، هر چند این حمل، عرفی نیست.

۳- روایت صفوان بن یحیی از امام زمان (عج): می‌گوید به حضرت عرض کردم مادرم دختری را با شیر من، شیر داد؟ فرمود: او خواهر رضاعی تو است. می‌گوید: به حضرت گفتم: آیا این دختر برای برادرم که که مادرم با شیر او، دختر را شیر نداده (یعنی با حاملگی دیگری او را شیر داده نه با این حاملگی) حلال

۲. قال: قلت لأبی جعفر (ع): هل للرضاع حد یؤخذ به؟ فقال: لا یحرم الرضاع اقل من رضاع یوم و لیلة او خمس عشر رضعة متوالیات من امرأة واحدة من لبن فحل واحد، لم یفصل بینها رضعة امرأة غیرها. و لو ان امرأة ارضعت غلاماً او جاریة عشر رضعات من لبن فحل آخر عشر رضعات لم یحرم نکاحها. (طوسی، تهذیب الاحکام، ۳۱۴/۷ ذیل حدیث ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴)

۳. عن برید العجلی فی حدیث قال: سألت أباجعفر (ع) عن قول رسول (ص): یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب فسّر لی ذلک فقال: کل امرأة أرضعت من لبن فحلها ولد امرأة أرضعت من لبن فحلین کانا لها واحدا بعد واحد من جاریة أو غلام فان ذلک رضاع لیس بالرضاع الذی قال رسول الله (ص): یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب و انما هو من نسب ناحیة الصهر رضاع و لایحرم شیئا و لیس هو سبب رضاع من ناحیة لبن الفحولة فیحرم. (حر عاملی، ۲۹۳/۱۴)

است؟ فرمود: فحل (شوهر) یکی است؟ گفتم: آری، او برادر پدری و مادری من است. فرمود: شیر، متعلق به فحل است، پدر تو پدر او (دختر) و مادرت، مادر او می‌گردد.[٤]

دلالت این روایت بر لزوم اتحاد فحل، چندان روشن نیست زیرا امام (ع) در مقام بیان این هستند که شیر فحل واحد، موجب نشر حرمت می‌شود ولی نافی غیر آن نیست.

۴- روایت عمار ساباطی از امام صادق (ع): درباره پسری پرسیدم که از زنی شیر خورده است، آیا می‌تواند با خواهر رضاعی از طریق پدر او ازدواج کند؟ فرمود: نه (نمی‌تواند) چون هر دو از یک مرد و یک زن شیر خورده‌اند. آن زن پرسید: آیا می‌تواند با خواهر رضاعی آن زن از طریق مادر، ازدواج کند؟ فرمود: اشکالی ندارد، زیرا فحل خواهری که او را شیر نداده با فحل خواهری که پسر را شیر داده است، متفاوت است، پس چون شوهران متفاوت‌اند، (ازدواج آن‌ها) بدون اشکال است.[٥]

۵- روایت حلبی از امام صادق (ع): درباره مردی پرسیدم که در کودکی از زنی شیر خورده است، آیا می‌تواند با خواهر رضاعی آن زن از جانب مادر، ازدواج کند؟ فرمود: اگر آن دو زن از یک زن و (شیر متعلق به) یک مرد شیر خورده‌اند، ازدواج جایز نیست، اما اگر آن دو زن از یک زن، اما از (شیر متعلق به) دو مرد شیر خورده باشند، این (ازدواج) بدون اشکال است.[٦]

۶- روایت عبد الله سنان از امام صادق (ع): درباره شیر (متعلق به) مرد (شوهر) پرسیدم، فرمود: آن، شیری است که همسر تو از شیر (متعلق به) تو و فرزند تو فرزند زن دیگری را شیر دهد.[٧]

انصافا این حدیث نمی‌تواند برای اشتراط فحل واحد، مورد استناد قرار گیرد، زیرا امام (ع) در مقام بیان این مطلب است که کسی فرزند رضاعی شما شناخته می‌شود که همسرش از شیر متعلق به شما و فرزند شما او را شیر دهد. مفهوم آن این است که اگر همسر شما از شیر متعلق به همسر دیگرش (در سابق یا بعد از شما) پسر یا دختری را شیر دهد، رابطه رضاعی بین شیرخوار و شما برقرار نخواهد شد.

۷- روایت ابی بصیر از امام صادق (ع): درباره مردی پرسید که با زنی ازدواج کرده و آن زن برای او

---

٤. محمد بن إسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن صفوان بن یحیی، عن العبد الصالح (ع) قال: قلت له: أرضعت امی جاریة بلبنی قال: هی اختک من الرضاع، قال: فقلت: فتحل لأخی من امی لم ترضعها بلبنه یعنی لیس بهذا البطن ولکن ببطن آخر، قال: والفحل واحد؟ قلت: نعم هی أختی لأبی وامی، قال: اللبن للفحل صار أبوک أباها و امک امها (کلینی، ۴۴۴/۵)

٥. عن عمار الساباطی قال: سألت أبا عبدالله (ع) من غلام رضع من امرأة أیحل لهان یتزوج اختها لأبیها من الرضاع؟ فقال: لا فقد رضعها جمیعا من لبن فحل واحد من امرأة واحدة قال: فیتزوج اختها لامها من الرضاعة؟ قال: فقال: لا بأس بذلک ان اختها التی لم ترضعه کان فحلها غیر فحل التی أرضعت الغلام فاختلف الفحلان فلا بأس. (حر عاملی، ۲۹۴/۱۴)

٦. عن الحلبی قال: سألت أبا عبدالله (ع) عن الرجل یرضع من امرأة و هو غلام أیحل لهان یتزوج اختها لامها من الرضاعة؟ فقال: ان کانت المرأتان رضعتا من امرأة واحدة من لبن فحلین فلا بأس بذلک. (حر عاملی، ۲۹۴/۱۴)

٧. عن عبدالله بن سنان قال: سألت أبا عبدالله (ع) عن لبن الفحل قال: هو ما أرضعت امرأتک من لبنک و لبن ولدک ولد امرأة اخری فهو حرام. (حر عاملی، ۲۹۴/۱۴)

دختری را به دنیا آورده، سپس آن زن می‌میرد و آن مرد با زن دیگری ازدواج می‌کند و او برای مرد پسری می‌آورد. آن گاه همسر دوم، پسری را (به مقدار کامل) شیر می‌دهد، آیا این پسر شیرخواره می‌تواند، با دختری که متعلق به همسر سابق آن مرد است ازدواج کند؟ فرمود: خوش ندارم آن پسر با دختر مردی ازدواج کند که از شیر (متعلق به) او خورده است.[۸]

این روایت هم بر اشتراط فحل واحد در رضاع دلالتی ندارد، بلکه امام در مقام بیان این مطلب است که شیر متعلق به فحل (شوهر) هم موجب نشر حرمت می‌شود هر چند مادرها متفاوت باشند، اما نسبت به موردی که مادر، واحد و شوهران متفاوت‌اند، ساکت است.

۸- روایت سماعه از امام (ع) درباره مردی پرسیدم که دو زن دارد و هر یک از آن‌ها برای او پسری می‌آورند، سپس یکی از آن دو زن، دختری (بیگانه) را شیر می‌دهد، آیا پسر او (از زن دیگر) می‌تواند با این دختر ازدواج کند؟ فرمود: نه، زیرا این دختر از شیر (متعلق به) آن مرد خورده است.[۹]

این روایت هم به اتحاد فحل در رضاع ربطی ندارد، بلکه ناظر به این است که ازدواج پسر نسبی آن مرد با دختر رضاعی‌اش از زنی دیگر که مادر آن پسر نیست جایز نیست و این مسأله محل بحث نیست. محل بحث موردی است که مادر رضاعی واحد، و فحل متعدد باشد، ضمن این که حدیث مضمره[۱۰] است و ممکن است حدیث از این جهت نیز مخدوش باشد.

۹- روایت احمد بن محمد بن أبی نصر از امام هشتم: درباره زنی پرسیدم که دختری را شیر داده و آن مرد از همسر دیگرش نیز پسری دارد، آیا برای آن پسر جایز است با این دختر رضاعی ازدواج کند؟ فرمود: شیر برای فحل (شوهر) است.[۱۱]

این روایت هم صراحت بلکه ظهوری در اشتراط اتحاد فحل ندارد، چون گفته است لبن برای فحل است و اما نقش لبن مرأه را ذکر نکرده است. ممکن است بیان امام در برابر کسانی باشد که در رضاع، نقشی برای فحل قائل نیستند. یعنی امام (ع) در مقام دفع یک توهم است و آن توهم این است که حتماً باید خواهران و برادران رضاعی از یک زن شیر خورده باشند. به عبارت دیگر، امام (ع) در مقام نفی اشتراط اتحاد مادر است نه در مقام اشتراط اتحاد فحل.

---

۸. عن أبی بصیر، عن أبی عبدالله (ع): فی رجل تزوج امرأة فولدت منه جاریة ثم ماتت المرأة فتزوج اخری فولدت منه ولداً ثم أنها أرضعت من لبنها غلاماً أیحل لذلک الغلام الذی أرضعته أن یتزوج ابنة المرأة التی کانت تحت الرجل قبل المرأة الاخیرة؟ فقال: ما احب ان یتزوج ابنة فحل قد رضع من لبنه. (حر عاملی، ۲۹۵/۱۴)

۹. عن سماعه قال: سألته عن رجل کان له امرأتان فولدت کل واحدة منهما غلاما فانطلقت إحدی امرأتیه فأرضعت جاریة من عرض الناس أینبغی لابنه ان یتزوج بهذه الجاریة؟ قال: لا لانها أرضعت بلبن الشیخ. (حر عاملی، ۲۹۵/۱۴)

۱۰. روایت مضمره، روایتی است که امامی که مورد پرسش قرار گرفته است، نامعلوم است.

۱۱. عن احمد بن محمد بن أبی نصر قال: سألت أباالحسن (ع) عن امرأة أرضعت جاریة و لزوجها ابن من غیرها أیحل للغلام ابن زوجها ان یتزوج الجاریة التی أرضعت؟ فقال: اللبن للفحل. (حر عاملی، ۲۹۵/۱۴)

۱۰- روایت حلبی از امام صادق: به امام عرض کردم: کنیز مردی پسری را شیر داده و آن مـرد از غیـر آن کنیز دختری دارد، آیا آن پسر (رضاعی) می‌تواند با آن دختر ازدواج کند؟ فرمود: من خوش ندارم با دختر مردی ازدواج کنم که از شیر (مربوط به) پسرش خورده‌ام.[۱۲]

این روایت نیز هیچ ربطی به اتحاد فحل ندارد بلکه برای لبن فحل هم اعتبار قائل شده و می‌گوید پسـر رضاعی انسان نمی‌تواند دختر نسبی او از زن دیگر ازدواج کند و این مطلب جای بحث و انکار نیست.

مستند دیدگاه مخالف مشهور

۱- چنان که اشاره شد، مستند اصلی دیدگاه طبرسی در مجمـع، عمـوم حـدیث نبـوی «یحـرم مـن الرضاع ما یحرم من النسب» است که با تعابیر متفاوت اما مشابه روایت شده است.

۲- اطلاق آیه شریفه «و أمهاتکم اللاتی أوضعنکم و أخواتکم من الرضاعة». (نساء/۲۳)

واضح است که عموم و اطلاق در حدیث و آیه کریمه، مسأله مورد بحث را نیز شامل می‌شود. اصلاً در آیه شریفه فقط مادر و خواهر را مطرح کرده است و سخنی از اشتراط فحل واحد به میـان نیامـده اسـت. در حدیث شریف هم به طور عام فرموده است که هر آنچه در حوزه نسب، موجب حرمـت می‌شـود در حـوزه رضاع نیز موجب نشر حرمت می‌شود.

از این رو، مرحوم علامه طباطبایی (چنان که اشاره شد) فرموده: «آیه با سیاقش بر این دلالـت دارد کـه بین زن و کسی که او را شیر داده است، رابطه فرزندی برقرار است، همچنین بین مرد و خواهر رضاعی او؛ به این دلیل که در آیه، این انتساب، مسلم گرفته شده است. بنابراین، رضاع، نوعی رابطه نسبی است به حسب تشریع...» (طباطبایی، ٢٦٣/٤)

روایت محمد بن عبیده همدانی که گفته است به اما رضا (ع) عرض کردم: گروهی لبن را فقـط متعلـق به فحل دانسته‌اند و من می‌خواهم نظر شما را بدانم؟ فرمود: نظر تو درباره مردی که دارای همسـران متعـدد است و یکی از زنان، کودک بیگانه‌ای را شیر می‌دهد، آیا تمام فرزندان این مرد بر ایـن پسـر حـرام نیسـتند؟ گفتم: چرا، حرام هستند؛ حضرت فرمود: «فما بال الرضاع یحرم من قبل الفحل و لا یحرم من قبل الامهات و انما الرضاع من قبل الامهات؟ و ان کان لبن الفحل ایضا یحرم». (حر عاملی، ٢٩٦/١٤)

چگونه است که رضاع از جانب مرد موجب حرمـت می‌شـود امـا از جانـب مـادران موجـب حرمـت نمی‌شود، در حالی که رضاع (حقیقتاً) از جانب مادران است هر چند لـبن (متعلـق بـه) مـرد نیـز موجـب

۱۲. عن الحلبی قال: قلت لأبی عبدالله (ع): ام ولد رجل أرضعت صبیاً و له ابنة من غیرها أیحل لذلک الصبی هذه الابنـة؟ قـال: مـا احـب ان اتزوج ابنة رجل قد رضعت من لبن ولده. (حر عاملی، ۲۹۵/۱۴)

حرمت است.

صاحب وسائل اظهار داشته است: شیخ (طوسی) این روایت را بـر نشـر حرمـت بـین مرتضـع و اولاد نسبی مرضعه حمل کرده است (ر.ک: طزسی،الاستبصار، ۲۰۰/۳) نه اولاد رضاعی او بـا اخـتلاف فحـل. صاحب وسائل خودش احتمال حمل بر کراهت و یا حمل بر تقیه را هم داده است. (حر عاملی، ۲۹٦/۱٤)

چنانکه ملاحظه می‌شود این روایت با حمل شیخ اصلاً سازگار نیست، چرا کـه امـام (ع) بـا صـراحت فرموده است که رضاع و لبن از ناحیه زن نیز همانند لبن فحل مؤثر است و این عبارت صریح امـام (ع) بـه هیچ وجه قابل تأویل نیست.

حمل بر کراهت هم (چنان‌که صاحب وسائل فرمود) قابل توجیه نیست، زیرا امام (ع) عبارت «یحـرم» را به کار برده است که ظهور در حرمت دارد و بدون قرینه نمی‌توان آن را بر معنای غیر ظاهر، حمل کرد.

افزون بر طبرسی، فیض کاشانی نیز در وافی با اخذ روایت همدانی، به این نظر گرایش پیدا کرده است. (به نقل از خوانساری، ۱۹۵/٤).

همچنین صاحب مدارک نیز در این موضـوع آورده: ... و مخـالف در ایـن مسـئله، ابـو علـی طبرسـی صاحب تفسیر و نیز صاحب کتاب وافی (فیض کاشانی) است و شاید دلیل آنـان، ایـن امـور باشـد: عمـوم سخن خدای تعالی «واخواتکم من الرضاعة» و عموم سخن پیامبر (ص) «یحرم من الرضاع مـا یحـرم مـن النسب» و عموم سخن امام رضا (ع) در روایت محمد بن عبیده همدانی «وضعیت رضاع چگونه است کـه از سوی شوهر، باعث حرمت می‌شود ولـی از سـوی مـادران نمی‌شـود؟!»[۱۳] (خوانسـاری، ۱۹۵/٤). البتـه خوانساری خودش با این نظر موافق نیست و در رد آن می‌گوید: عمومات یاد شده را باید با اخبـار خـاص، تخصیص زد و نمی‌توان آن‌ها را با این خبر (ابن عبیده همدانی) معارض دانست و سپس خبر همدانی را بـه لحاظ موافقت با کتاب و مخالفت با عامه، ترجیح داد زیرا افزون بر تعدد روایات دیگر، سند آن‌ها نیز نسبت به این خبر، از قوت و استحکام بیشتری برخوردار است (همان‌جا).

از این رو به نظر می‌رسد تنها مانعی که وجود دارد روایاتی است که مستند مشهور است و این روایات، عموم و اطلاق حدیث نبوی (ص) و اطلاق آیه را تخصیص و تقیید می‌زنند؛ اما چنان‌که ذیـل هـر کـدام از روایات، در حد بضاعت و مجال توضیح داده شد، اکثر روایات مورد استناد مشهور، در لزوم اشتراط اتحـاد فحل، ظهوری نداشتند. تنها یک یا دو روایت (روایات سوم و چهارم) در این دیدگاه ظهوری داشـتند کـه در

۱۳. و المخالف فی المسئلة ابو علی الطبرسی صاحب التفسیر و صاحب الوافی و لعله لعموم قوله تعالی «و اخواتکم مـن الرضـاعة» و عمـوم قوله (ص) «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» و عموم قول الرضا (ع) علی المحکی فی حـدیث محمـد بـن عبیـدة الهمـدانی «فمـا بـال الرضاع یحرم من قبل الفحل و لا یحرم من قبل الامهات».

برابر این دو روایت، روایت مخالف آن هم وجود دارد که به عنوان دلیل سوم دیدگاه مخالف مشهور مطرح گردید و توجیه و حمل شیخ و صاحب وسائل نیز پاسخ داده شد.

شهیدثانی در مسالک ضمن اسناد اشتراط فحل واحد به مشهور امامیه و اسناد قول غیر مشهور به طبرسی و استدلال وی به عموم حدیث نبوی (ص) و اطلاقات و عموم آیه «واخواتکم من الرضاعة» تصریح کرده است: این قول در نهایت جودت است به شرط این که دو روایت گذشته را ضعیف بدانیم، یعنی روایت امام باقر (ع) «لا یحرم من الرضاع اقل من رضاع یوم و لیلة او خمس عشر رضعه متوالیات من امرأه واحده من فحل واحد» و روایت عمار ساباطی (حر عاملی، ۲۹۴/۱٤).

وی در ادامه ضمن تضعیف این دو روایت به دلیل وجود عمار ساباطی[۱٤] در میان سند آن‌ها، روایت محمد بن عبید همدانی را نیز معارض این دو روایت دانسته است و یاد آور شده است که، بنا بر این می‌توان برای تقویت قول عدم اعتبار فحل واحد به عموم ادله رضاع استناد کرد و این قول را در غایت نیکویی می‌داند. البته در ادامه به روایت صحیح دیگری اشاره می‌کند که آن را سزاوارتر به ذکر می‌داند و می‌تواند دلیل قول مشهور قرار گیرد و با آن، عموم «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب»، تخصیص می‌خورد (رک: شهید ثانی، مسالک الافهام، ۲۳۹/۷-۲٤۰)

از این رو با توجه به عموم حدیث نبوی (ص) و اطلاق آیه کریمه و نیز صراحت حدیث محمد بن عبیده، تخصیص عموم و اطلاق مزبور با آن دو حدیث ممکن است مورد نقد و تأویل جدی قرار گیرد. حداقل می‌توان گفت: لازم است در مورد محل بحث، به طور جدی احتیاط شود. یعنی حکم به حلیت و جواز ازدواج جداً محل اشکال خواهد بود.

نتیجه‌گیری

دیدگاه مشهور امامیه این است که برای نشر حرمت در رضاع، اتحاد فحل معتبر است. بنابراین، دو کودکی که از یک زن شیر کامل خورده‌اند اما شیر هر یک مربوط به دو شوهر است، موجب نشر حرمت نمی‌شود.

دلیل دیدگاه مشهور روایاتی است که معتقدند، موجب تخصیص عموم و اطلاقات می‌شود، زیرا عموم حدیث نبوی (ص) و اطلاق آیه کریمه، موجب نشر حرمت می‌شود.

طبرسی، صاحب تفسیر البیان و برخی دیگر از محققان امامیه مانند فیض کاشانی، بر این باورند که در رضاع موجب نشر حرمت، اتحاد فحل شرط نیست. مستند این دیدگاه، عموم حدیث، اطلاق آیه و نیز

۱٤. عمار ساباطی فطحی مذهب است، هر چند برخی در عین حال او را ثقه می‌شمرند. نگ: شیخ طوسی، الفهرست، ٥٤.

روایت محمد بن عبیده است.

هر چند در برخی از ادله مشهور دلالتاً یا سنداً خدشه وارد شد، ولی انصافاً در میان روایات قول مشهور، به اندازه کافی روایت موثوق صریح یا ظاهر وجود دارد. از دیگر سو، روایت همدانی که معتضد به قرآن کریم و مخالفت با عامه است و طرفدارانی هم دارد، خالی از قوت نیست. اینک یا باید روایات مشهور را به لحاظ کثرت عددی و قوت سند، مقدم داریم و یا قائل به وجود تعارض شویم که نتیجه آن، ترجیح قول غیر مشهور است به دلیل معاضدت با قرآن کریم. از این رو، داوری در این مسئله چندان آسان نیست و احتیاط مستحبی اقتضا می‌کند، در موارد تعدد فحل نیز قائل به تحریم شویم.

منابع

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: اسوه، بی‌تا.

ابن ادریس، محمد بن احمد، ***السرائر***، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱٤۱۰ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، ***من لا یحضره الفقیه***، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱٤۰٤ ق.

ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر، ***المهذب***، جامعه مدرسین قم، بی‌چا، ۱٤۰٦ ق.

ابن حمزه، محمد بن علی، ***الوسیله***، قم: مکتبه السید المرعشی، چاپ اول، ۱٤۰۱ ق.

ابن حیون، نعمان بن محمد، ***دعائم الاسلام***، بی‌جا، دارالمعارف، ۱۳۸۳ ق.

ابن سعید، یحیی بن احمد، ***الجامع للشرایع***، قم: مؤسسة سید الشهداء، بی‌چا، ۱٤۰٥ ق.

انصاری، مرتضی بن محمد امین، ***کتاب النکاح***، قم، بی‌نا، چاپ اول، ۱٤۱٥ ق.

آل بحرالعلوم، محمدبن محمدتقی، ***بلغة الفقیه***، تهران: مکتبة الصادق (ع)، چاپ چهارم، ۱٤۰۳ ق.

بحرانی، یوسف بن احمد، ***الحدائق الناضرة***، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳٦۳.

حر عاملی، محمد بن حسن، ***وسائل الشیعة***، قم: مؤسسه آل البیت، چاپ دوم، ۱٤۱٤ ق.

حمیری، عبدالله بن جعفر، ***قرب الاسناد***، قم: مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱٤۱۳ ق.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، ***الروضة البهیة***، قم: انتشارات داوری، چاپ اول، ۱٤۱۰ ق.

________________، ***مسالک الافهام***، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱٤۱٦ ق.

صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، ***جواهر الکلام***، تهران: المکتبة الاسلامیه، چاپ دوم، بی‌تا.

طباطبایی، محمد حسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم: مؤسسه نشر اسلامی، بی‌چا، ۱٤۰۲ ق.

طباطبائی کربلایی، علی بن محمدعلی، ***ریاض المسائل***، قم، انتشارات جامعه مدرسین، بی‌چا، ۱٤۱۹ ق.

طبرسی، فضل بن حسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱٤۱٥ ق.

طوسی، محمد بن حسن، ***الاستبصار***، قم، دارالکتب الاسلامية، بی‌تا.

________________، ***الخلاف***، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱٤۱۷ ق.

________________، ***الفهرست***، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱٤۱۷ ق.

________________، ***المبسوط***، طهران: المکتبه المرتضویه، بی‌چا، ۱۳۸۷.

________________، ***تهذیب الاحکام***، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳٦۵.

عاملی، محمد بن علی، ***نهایة المرام***، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱٤۱۳ ق.

علامه حلی، حسن بن یوسف، ***تحریر الاحکام***، قم: مؤسسه الامام صادق، بی‌چا، ۱٤۲۰ ق.

________________، ***تذکرة الفقها***، بی‌چا، تهران: مکتبه الرضویه، بی‌تا.

________________، ***قواعد الاحکام***، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱٤۱۳ ق.

فاضل هندی، محمد بن حسن، ***کشف اللثام***، قم: انتشارات جامعه مدرسین، بی‌چا، ۱٤۱٦ ق.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ***تفسیر الصافی***، قم: مؤسسه الهادی، چاپ دوم، ۱٤۱٦ ق.

قطب راوندی، سعید بن هبةالله، ***فقه القرآن***، قم: مکتبه آیت الله العظمی النجفی المرعشی، چاپ دوم، ۱٤۰۵ ق.

محقق حلی، جعفر بن حسن، ***شرایع الاسلام***، تهران: انتشارات استقلال، چاپ دوم، ۱٤۰۹ ق.

محقق سبزواری، محمدباقر بن محمدمؤمن، ***کفایة الاحکام***، اصفهان، مدرسه صدر مهدوی، بی‌تا.

محقق کرکی، علی بن حسین، ***جامع المقاصد***، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت (ع)، ۱٤۱۱ ق.

مفید، محمد بن محمد، ***المقنعة***، قم: جامعه مدرسین، بی‌چا، ۱٤۱۰ ق.

موسوی خوانساری، احمد، ***جامع المدارک***، طهران، مکتبة الصدوق، ۱۳۵۵.

نراقی، احمد بن محمد مهدی، ***مستند الشیعه***، قم: مؤسسه آل البیت (ع)، چاپ اول، ۱٤۱۹ ق.

نوری، حسین بن محمد تقی، ***مستدرک الوسائل***، قم: مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱٤۰۸ ق.